

Analysis of Differentialization Methods (Specialization) in Fair Investigation of Technical and Specialized Crimes (Study of a Sample of Crimes against the Environment)

Amir Falakedin*

Masoud Ghasemi, Yazdan Nosrati*****

Abstract

Following the methods of differentiation (specialization) in criminal law is a necessary thing that has been achieved in many other legal systems. One of the areas in which the differentiation of criminal procedure should be manifested in its territory is technical and specialized crimes, and this study has examined one of the green crimes as one of its examples. In this study, it was concluded that in our systemic law, there are manifestations of differentiation from private to technical and specialized crimes in the form of specialized courts, but since terrorism is still achieved in our systemic law. The independent form of criminalization is also assigned to the trial and has special regulations, there is a serious weakness in our legislative system. In addition to the effects, the anticipation of requirements such as increasing the number of specialized green courts and specialized courts and eliminating specialized courts in dealing with green crimes, the use of specialized

* PhD Student of Criminal and Criminology, Kermanshah Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, amir_falakedin57@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author), md.ghasemi@iauksh.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, md.ghasemi@iauksh.ac.ir

Date received: 26/03/2022, Date of acceptance: 24/07/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

judges and officers, and the Special Police for Environmental and Continuing Education. Their recognition of the right to reason and objection to votes for green poison can be used to differentiate between green crimes and the realization of real criminal policy.

Keywords: Green Crimes, Environmental Terrorism, Differential Treatment, Specialized Courts, Specialist Judges.

نقدی بر روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) در رسیدگی‌های عادلانه به جرایم فنی و تخصصی (مطالعه پژوهشی نمونه جرایم علیه محیط‌زیست)

امیر فلک‌الدین*

مسعود قاسمی**، یزدان نصرتی***

چکیده

پیروی از روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) در علم حقوق جزا، امری لازم و ضروری است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر محقق شده است. یکی از حوزه‌هایی که بایستی، افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرایم فنی و تخصصی است که این پژوهش به بررسی جرایم سبز، به عنوان یکی از مصادیق آن مبادرت ورزیده است. در این تحقیق این نتایج حاصل شد که در نظام حقوقی ما، جلوه‌هایی از افتراقی‌سازی در خصوص رسیدگی به جرایم فنی و تخصصی در قالب دادسرای تخصصی مشاهده می‌شود اما از جهت اینکه هنوز هم تروریسم‌زیست محیطی در نظام حقوقی ما به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده تا دادرسی آن نیز تخصصی شود و مقررات ویژه‌ای را به خود بگیرد، در نظام تقنینی ما ضعف جدی مشاهده می‌شود. علاوه بر

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، amir_falakedin57@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)، md.ghasemi@iauksh.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. nosratiyazdan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

جلوه‌ها، پیش‌بینی بایسته‌هایی همچون لزوم گسترش تشکیل دادرسی‌های تخصصی سبز و دادگاه‌های تخصصی و حذف دادگاه‌های اختصاصی در رسیدگی به جرایم سبز، استفاده از قضات و ضابطان متخصص، پلیس ویژه محیط‌زیست و آموزش مستمر به آن‌ها، شناسایی حق اقامه دلیل و اعتراض به آراء برای سمن‌های سبز، می‌تواند در افتراقی سازی رسیدگی به جرایم سبز و تحقق اهداف سیاست جنایی موثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: نقد روش‌های افتراقی سازی، جرایم فنی و تخصصی، جرایم سبز، دادگاه تخصصی، قضات متخصص.

۱. مقدمه

امروزه، علیرغم اینکه وجود آیین دادرسی کیفری به واکنش جامعه بر ضد جرم نظم خاصی می‌بخشد، سخن از افتراقی شدن و چندلایه شدن آیین دادرسی به میان آمده است و با مطرح شدن برخی از جرایم فنی و تخصصی و بزه‌کاران خطرناک این دسته از جرایم، ضرورت گزینش یک نظام رسیدگی افتراقی، بیش از گذشته احساس می‌شود. امروزه، مشاهده می‌کنیم که حقوق کیفری چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی آن از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند و شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری محیط‌زیست و... نشان از فنی شدن حقوق کیفری دارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷) که باعث تضمین حق بر محیط زیست سالم می‌گردد، حق برخورداری از محیط‌زیست ایمن، به عنوان یک حق بنیادین بشری مطرح است و در اسناد بین‌المللی مختلف انعکاس یافته است. حق بر محیط‌زیست سالم به دنبال اقتضائات زندگی مدرن در نسل سوم حقوق بشر مطرح شد که در واقع این حق را در زمره یکی از مصادیق حقوق جمعی و حقوق همبستگی معرفی نموده‌اند (Priour., 2003:93). در حقوق فرانسه نیز شناسایی این حق و جرم‌انگاری‌های حمایتی در جهت تضمین این حق اگر چه نسبت به سایر کشورها دیر هنگام بود (Huten., 2003:57)

یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرایم سبز است، چرا که لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط‌زیست است، افتراقی سازی در این حوزه را بیش از

گذشته لازم و ضروری می‌نماید. این تحقیق بر لزوم تفکیک این دو جرم به عنوان جرایم سبز تاکید ویژه‌ای دارد. در نظام حقوقی فرانسه نیز رسیدگی به این جرایم از هم تفکیک شده است، چرا که جرایم زیست‌محیطی در قالب تروریسم نیز قابلیت ارتکاب پیدا کرده‌اند. همانطور که در دایره‌المعارف علوم جنایی مطرح شده است، تروریسم تهدیدی کاملاً مستقیم علیه منافع اساسی ملت‌های متمدن شناخته شده، (Gerard, 2004: 919) فلذا از دهه ۹۰ میلادی به بعد، تحولی در مفهوم تروریسم ایجاد شد و یکی از تاثیرات این تحول را می‌توان در قانون‌گذاری جزایی فرانسه ملاحظه نمود. مقنن فرانسوی در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه، به جرم انگاری تروریسم زیست‌محیطی اقدام نمود. (Mayaud, 1997: 24) ماده ۱-۴۱۰ قانون مجازات فرانسه در مقام بیان منافع اساسی ملت، تأمین ثبات و تعادل در محیط‌زیست کشور را یکی از منافع اساسی ملت فرانسه برشمرده است. قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲، اجرا شده در ۱۹۹۴ میلادی در مواد ۱-۴۲۱ تا ۴۲۲ تروریسم، مصادیق آن و مجازات‌های آن را بیان نمود. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد ۱۶-۷۰۶ به بعد نیز تعقیب، تحقیق و دادرسی ویژه‌ای در اعمال تروریستی پیش‌بینی شده است، فلذا می‌توان در این جا از افتراقی شدن رسیدگی‌های جرایم تروریستی نیز سخن به میان آورد. قانون جزای فرانسه در ماده ۲-۴۲۱ اشعار می‌دارد:

وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط‌طبیعی را به خطر می‌اندازد در هوا، خاک و لایه زیرین خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اخلال شدید در نظم عمومی از راه هراس افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌گردد.

و نظام حقوقی فرانسه در این امر به عنوان یک نظام حقوقی پیش‌تاز در قانون جزای جدید ۱۹۹۲ میلادی، اجرایی ۱۹۹۴، این دو جرم را از هم تفکیک کرده و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز رسیدگی‌ها و تشکیلات و... نیز افتراقی شده است. در نظام حقوقی ایران نیز مفهوم تروریسم زیست‌محیطی در قسمتی از ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ذیل جرم افساد فی الارض مطرح شده است. علت اصلی و مهم تاکید بر تفکیک این دو مفهوم از هم، علاوه بر مجازات، در قسمت رسیدگی‌ها خود را بیشتر نشان می‌دهد چرا که متهم یک جرم تروریستی از حقوق دفاعی محدودتری برخوردار است و

سخت‌گیری در تروریسم زیست‌محیطی اصولاً بایستی بیشتر از جرم زیست‌محیطی باشد (نباتی، ۱۳۹۸: ص ۵۹) و امروزه نیز در جرایم تروریستی، شاهد آن هستیم که آیین دادرسی آن با هدف تسهیل تعقیب و محاکمه متهمین، عمیقاً دگرگون شده است. (آنسل، ۱۳۹۱: ص ۱۱۳) البته باید به کرامت اشخاص و سایر مولفه‌های الزامات اخلاقی نیز در فرآیند دادرسی توجه داشت. (غلامی و موذن زادگان، ۱۳۹۶: ۳۸)

آیین دادرسی کیفری سبز، در خصوص جرایم زیست‌محیطی افتراقی و تخصصی است و منظور از افتراقی شدن، اختصاصی شدن عدالت کیفری نیست، زیرا که اختصاصی نمودن عدالت کیفری یک قلمرو محدود و مبتنی بر صلاحیت ذاتی دارد مثل دادگاه انقلاب. یکی از اصول آیین دادرسی کیفری، اصل ممنوعیت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی است (زراعت، ۱۳۹۲: ۳۲) و منظور ما از آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم زیست‌محیطی یک آیین دادرسی تخصصی و فنی است. در خصوص تروریسم زیست‌محیطی نیز آیین دادرسی افتراقی تخصصی بایستی حاکم باشد چراکه تروریسم زیست‌محیطی نیز به عنوان یکی از اقسام جرایم سبز است.

در حقوق کیفری ایران، جلوه‌هایی از آیین دادرسی کیفری افتراقی سبز در ساختار و کنشگران دیده می‌شود اما از تمام خصیصه‌های آیین دادرسی کیفری افتراقی برخوردار نیست. به طور کلی، عدم وجود ساختار و کنشگرانی متخصص در این حوزه، عامل بسیاری از ناکامی‌های حقوق کیفری در مقابله با جرایم زیست‌محیطی است، از این رو در تحقیق پیش‌رو علاوه بر ذکر جلوه‌ها بر بایسته‌های لازم در خصوص ساختار و کنشگران دادرسی کیفری سبز نیز پرداخته می‌شود.

مطالب تحقیق پیش‌رو به دو دسته ساختار و کنشگران در حوزه رسیدگی به جرم‌های سبز تقسیم می‌شود، که در هر گفتار علاوه بر بررسی جلوه‌ها به بررسی بایسته‌هایی که باید در رسیدگی به جرایم سبز مدنظر قرار گیرد، پرداخته می‌شود.

۲. روش افتراقی سازی ساختار دادرسی کیفری

ما در این مبحث به بررسی ساختار و تشکیلات عدالت کیفری می‌پردازیم. در قسمت ساختار به بررسی نهادهای رسیدگی‌کننده به جرم‌های سبز خواهیم پرداخت. ناگفته نماند که در هر گفتار، ابتدا به بررسی و تحلیل وضعیت موجود در خصوص ساختار و تشکیلات

می‌پردازیم و سپس به بررسی لوازم و بایسته‌های رسیدگی‌های افتراقی به جرم‌های سبز پرداخته خواهد شد. به عبارت دیگر در گفتار نخست، هست‌ها و در گفتار دوم، باید‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. جرم‌های سبز همانطور که در بخش نخست نیز توضیح دادیم به دو دسته جرایم زیست‌محیطی و تروریسم زیست‌محیطی تقسیم‌بندی می‌شود که متأسفانه در نظام حقوقی ما فقط جرایم زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده و شناسایی تروریسم زیست‌محیطی در نظام حقوقی ما به تبع عدم شناسایی خود تروریسم، به رسمیت شناخته نشده است، البته تنها جرم‌انگاری مشابهی که در این زمینه صورت گرفته است، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که برخی از مصادیق تروریسم زیست‌محیطی را در ذیل افساد فی الارض مطرح نموده است. از این رو ما در حال حاضر در خصوص رسیدگی به جرم‌های سبز با مراجع رسیدگی‌کننده مختلفی مواجه هستیم. در حال حاضر، رسیدگی به جرم‌های سبز در مراحل مختلف پیش‌دادرسی و دادرسی، تا حدودی ساختارمند شده است. در این قسمت از بحث، جهت آشنایی با ساختار و تشکیلات حاکم بر رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی ابتدا به وضعیت افتراقی‌سازی و سپس به بررسی بایسته‌های لازم در این خصوص پرداخته می‌شود.

۱.۲ دادسرای تخصصی

براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، برای نخستین بار در حوزه ی محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ مقرر شده است که "پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیر مجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت" پواضح است که مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مولفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مولفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادسرا و دادگاه‌های تخصصی یا افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش دیده به منصفه ظهور می‌رسد.

در بخشی از اصل ده اعلامیه ریو نیز آمده است: «دستیاری و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین

شود.» این مقرر نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل مشاهده و نیازمند توجه است. مرحله ابتدایی همان دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرایم زیست‌محیطی، مرحله میانی همان دسترسی به فرآیندی که عادلانه و موثر باشد و مرحله نهایی که همان دسترسی به لوازم اجرایی و جبران خسارت‌هایی که تصمیم دادگاه را تامین نماید و جهت پیشگیری و جبران صدمات محیط‌زیست قابل پذیرش باشد (white, 2013: 269)

اصل سیزدهم اعلامیه ریو مقرر داشته: «کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب عادلانه عاملان آلودگی محیط‌زیست و قربانیان آن، تدون کنند. علاوه بر این، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت، جهت تنظیم یکسری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط‌زیست با یکدیگر همکاری نمایند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند، باشند.» (جوان جعفری و حاجی‌وند، ۱۴۰۰: ۱۹۷)

از آنجایی که آیین دادرسی کیفری، دو هدف اصلی و عمده را دنبال می‌کند، یکی اعاده نظم لطمه دیده از جرم از طریق سازمان‌دهی نهادهای عدالت کیفری و دیگری حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزهکاری (خالقی، ۱۳۹۶: ۲۱)، این اهداف که باید به یک اندازه مورد توجه نظام حقوقی قرار بگیرند محقق نمی‌شود مگر با تخصصی کردن و افتراقی نمودن در حوزه جرایم فنی و تخصصی.

دادرسی عمومی انقلاب، یک مرجع ابتدایی رسیدگی به جرایم، با صلاحیت کیفری عام است. بدین معنا اصل بر این است که دادرسی عمومی و انقلاب حق اقدام به رسیدگی و تعقیب کلیه جرایم را دارد، مگر مواردی که به موجب قانون استثناء شده باشد. به این سان، اصل بر صلاحیت عام دادرسی عمومی و انقلاب است. اما در طول سال‌های اخیر، به ویژه در دو دهه گذشته در قلمرو حقوق کیفری، پاره‌ای از شاخه‌های فنی و تخصصی ظهور کرده‌اند مانند حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری سایبری و... و این رشته‌ها در واقع، دانش‌هایی میان رشته‌ای میان حقوق و سایر رشته‌ها مانند حقوق و اقتصاد و... است. به این سان، تعامل میان رشته‌های گوناگون، نظام دادرسی کیفری را به سویی سوق داده است که مقامات رسیدگی کننده برای رسیدگی به این دسته از جرایم، اشراف محض به مسائل حقوقی کافی نیست بلکه باید از سایر دانش‌ها نیز اطلاعات و آگاهی داشته باشند. (نیازپور، ۱۳۹۶: ۱۱۳) از این رو، افتراقی سازی رسیدگی‌های جرایم فنی و تخصصی

همچون جرایم سبز، باید در ابتدا ناظر به مرحله پیش‌دادرسی باشد. به عبارت دیگر، اگر مرحله پیش‌دادرسی که سنگ‌بنای دادرسی است، تخصصی باشد در این صورت می‌توان انتظار داشت که در مرحله دادرسی، رسیدگی‌های عادلانه و منصفانه‌ای رقم بخورد. این مهم در نظام حقوقی ما تا حدودی به تحقق پیوسته است.

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاهد گسترش دادرسی‌های تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادرسی‌های تخصصی نماید که در واقع، پیام‌آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش‌دادرسی علی‌الخصوص در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالاتری برخوردارند.

دادرسی تخصصی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی امروزه در شهرستان‌های مختلف تشکیل شده است و هم‌اکنون در تهران تحت عنوان (دادرسی انفال و منابع طبیعی) مشغول به کار است. این دادسرا قبلاً تحت عنوان (دادرسی ویژه شهرداری و زمین‌خواری) بوده است که از سال ۱۳۸۳ فعالیت می‌کرده است. البته لازم به ذکر است که لزوم برخورد و رسیدگی‌های افتراقی از سالیان دورتری مورد توجه قوه قضائیه بوده است به گونه‌ای که رئیس قوه قضائیه وقت، با ابلاغ بخشنامه شماره ۱/۷۹/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳ به دادگستری‌های سراسر کشور، تشکیل شعبات تخصصی به منظور رسیدگی به شکایات ادارات منابع طبیعی، محیط‌زیست و بهداشت درمان را متذکر شده بودند.

دادرسی رسیدگی‌کننده به جرایم زیست‌محیطی، اختصاصی نیست بلکه شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب است که به صورت تخصصی به انجام تحقیقات مقدماتی جرایم سبز می‌پردازد. در یک تقسیم‌بندی کلی مراجع قضایی به مراجع عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. در مواد ۳ و ۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷ پیش‌بینی شده بود که محاکم عمومی آن است که حق رسیدگی به تمام دعاوی را دارد، غیر آنچه که قانون صراحتاً استثناء کرده است. محاکم اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارد غیر آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است. با توجه به تخصصی بودن این دادسرا و فقدان شخصیت حقوقی مستقل از دادسرای عمومی و انقلاب، ارجاع سایر پرونده‌ها به آن ممنوعیتی ندارد.

صرف وجود دادرسی تخصصی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه کنش‌گران آن نیز باید آموزش‌های لازم را دیده باشند و از بایسته‌های حقوق محیط‌زیست آگاهی کامل داشته باشند که این مهم در قسمت کنشگران شرح داده خواهد شد.

دادرسی عمومی انقلاب، یک مرجع ابتدایی رسیدگی به جرایم، با صلاحیت کیفری عام است. بدین معنا اصل بر این است که دادرسی عمومی و انقلاب حق اقدام به رسیدگی و تعقیب کلیه جرایم را دارد، مگر مواردی که به موجب قانون استثناء شده باشد. به این سان اصل بر صلاحیت عام دادرسی عمومی و انقلاب است. اما در طول سال‌های اخیر، به ویژه در دو دهه گذشته در قلمرو حقوق کیفری، پاره‌ای از شاخه‌های فنی و تخصصی ظهور کرده‌اند مانند حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری سایبری و... و این رشته‌ها در واقع، دانش‌هایی میان رشته‌ای میان حقوق و سایر رشته‌ها مانند حقوق و اقتصاد و... است. به این سان، تعامل میان رشته‌های گوناگون، نظام دادرسی کیفری را به سوی سوق داده است که مقدمات رسیدگی کننده برای رسیدگی به این دسته از جرایم، اشراف محض به مسائل حقوقی کافی نیست بلکه باید از سایر دانش‌ها نیز اطلاعات و آگاهی داشته باشند.

به نظر می‌رسد که یکی از بایسته‌های افتراقی سازی این باشد که در تمامی شهرستان‌ها نسبت به تاسیس دادرسی تخصصی جرایم سبز اقدام شود. تاسیس این نوع از دادرسی به علت تخصصی بودن و کنشگران متخصصی که در درون خود خواهد داشت، مرحله پیش‌دادرسی را که سنگ بنای دادرسی در آن نهاده می‌شود، تقویت خواهد نمود و جلوه‌ای تخصصی و افتراقی به آن خواهد بخشید.

۲.۲ مراجع رسیدگی کننده به جرایم فنی و تخصصی

در حال حاضر، رسیدگی به جرایم سبز در مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی انجام می‌شود که به بررسی و تحلیل هر یک از این موارد می‌پردازیم.

۱.۲.۲ مراجع قضایی تخصص محور

در حال حاضر جرایم سبز در مراجع عمومی و اختصاصی قضایی رسیدگی می‌شوند. از آنجایی که قانون‌گذار دادرسی یک مرحله‌ای را مورد پذیرش قرار نداده است، مراحل

متعددی در قانون پیش‌بینی شده است تا حکم قطعی و لازم‌الاجرا شود که این عمل، دقت قضایی را بالا می‌برد. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴: ۲۲۹) از این رو، مراجع قضایی را در دو قسمت مراجع بدوی و مراجع رسیدگی مجدد، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مراجع قضایی که از مراجع بدوی رسیدگی کننده به جرایم سبب به شمار می‌روند، خود به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم بندی می‌شوند. مراجع عمومی قضایی رسیدگی کننده به جرم‌های سبب خود به دو دسته دادگاه‌های کیفری یک و کیفری دو تقسیم می‌شود. ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.» از این رو، رسیدگی به جرایم سبب نیز در تخصص دادگاه کیفری دو است که صلاحیت عام رسیدگی به تمامی جرائم را دارد، مگر جرم‌های سبب که در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب و یا یک مرجع غیرقضایی قرار گرفته باشد. برخی از جرایم زیست‌محیطی همچون جرایم موضوع مواد ۶۸۸، ۶۸۶، ۶۸۵، ۶۸۴، ۶۸۰ و... قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، با توجه به عدم تصریح دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب، در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.

در حال حاضر تنها مرجع اختصاصی که به جرم تروریسم زیست محیطی تحت عنوان افساد فی‌الارض رسیدگی می‌کند که همان تروریسم زیست‌محیطی است، دادگاه انقلاب است. دادگاه اختصاصی دادگاهی است که صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرائم خاصی را دارد و این دادگاه را نباید با دادگاه تخصصی یکسان دانست زیرا دادگاه تخصصی در حقیقت شعبه‌ای از دادگاه عمومی است.

دادگاه انقلاب حتی یک دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به جرایم تروریستی و تروریسم زیست‌محیطی محسوب نمی‌شود چرا که دادگاه انقلاب با هدف رسیدگی به جرایم علیه انقلاب تشکیل گردیده البته در حال حاضر صلاحیتی فراتر از جرائم علیه انقلاب دارد و به برخی جرائم دیگر نیز رسیدگی می‌کند.

ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد را بیان کرده است.

در خصوص بند الف که افساد فی‌الارض را بیان داشته باید به تعریف قانونی افساد فی‌الارض مراجعه نمود. مقنن ایرانی برخی از مصادیق تروریسم را در ذیل عنوان افساد فی‌الارض

الارض مطرح نموده است. در واقع، مقنن ایرانی از دیدگاه تفکیک محاربه از افساد فی‌الارض تبعیت نموده و افساد فی‌الارض را به معنای مطلق تلاش برای ایجاد فساد در نظر گرفته است. رفتار مجرمانه تروریسم زیست محیطی را می‌توان جزء سه دسته از مصادیق مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دانست.

الف) جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد

ب) پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک

ج) احراق و تخریب

بر اساس این ماده، برخی از مصادیق تروریسم زیست محیطی در صورتی که با شرایط این ماده انجام شوند، از مصادیق افساد فی‌الارض دانسته شده است، بدون اینکه تعریفی مشخص از تروریسم زیست محیطی ارائه دهد و هم‌چنین قانون‌گذار بایستی ابتدا توسل به مواد سمی و میکروبی و خطرناک را جرم انگاری کرده باشد، چرا که هر یک از مصادیق آمده در این ماده فی‌نفسه یک جرم تعزیری هستند. البته لازم به ذکر است که تروریسم زیست محیطی را نمی‌توان ذیل محاربه طرح نمود، چرا که رفتار مجرمانه محارب، دست بردن به اسلحه یا کشیدن سلاح بر روی مردم است، در حالی که در تروریسم زیست محیطی دست بردن به سلاح در معنایی که در محاربه ذکر می‌شود، مشهود نیست. (حاجی‌وند، همان)

قید گستردگی در خصوص پخش مواد میکروبی همانطور که در قسمت مفهوم بیوتروریسم بیان شد در بیوتروریسم، مواد میکروبی به راحتی قابل شیوع دارد و نیازی به تکرار یا تعدد جرم ندارد اما باز هم این ماده دارای ابهام است. تروریسم زیست محیطی که در حال حاضر در نظام حقوقی ما به صورت مصداقی در ذیل افساد فی‌الارض آمده است لزوماً منجر به قتل نمی‌شود اما اگر منجر به قتل شد علاوه بر مجازات قتل عمدی که حسب مورد می‌تواند قصاص یا تعزیر باشد رفتار مرتکب شامل حد افساد فی‌الارض نیز می‌تواند قرار بگیرد که در این صورت دادرس بایستی مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعدد جرم را رعایت نماید.

باری، مفهوم تروریسم زیست محیطی تا حدودی، قابلیت انطباق با عناوین مختلف در فقه و در نظام حقوقی ایران دارد، اما با توجه به جدید بودن این مفهوم بایستی آن را همانند کشور فرانسه به صورت مستقل جرم انگاری نمود و یک سیاست جنایی ویژه در مورد آن

اتخاذ نمود. ناگفته نماند که در جرایم مربوط به حقوق عامه همچون جرائم علیه بهداشت عمومی یا محیط‌زیست و نظایر آنها، رئیس قوه قضائیه می‌تواند بر اساس ماده ۲۹۳ به درخواست دادستان کل کشور اعاده دادرسی را تجویز نماید. ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «هر گاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالثر بی سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد به طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده ۴۷۷ به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند.» اما به نظر می‌رسد که این نوع از اعاده دادرسی که مبتنی بر جهات خاصی نیست و در اختیار مقام خاصی می‌باشد، قطعیت را که از مولفه‌های بازدارندگی است زیر سوال می‌برد و آن را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت.

۲.۲.۲ مرجع پیرافضایی تخصص محور

منظور از مراجع غیر قضایی رسیدگی، مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند. در حال حاضر سه دسته در نظام دادرسی کیفری ایران وجود دارند که عبارت اند از: هیات منصفه، شورای حل اختلاف و سازمان تعزیرات حکومتی (خالقی، ۱۳۹۶: ۹۰). همانطور که ملاحظه می‌شود میزان جزاهای مقرر در قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و با اصلاح قانون شورای اختلاف در سال ۱۳۹۴، شورای حل اختلاف دیگر جایگاهی در رسیدگی به پرونده‌های زیست محیطی ندارد و این پیشرفت خوبی است چرا که سهل‌گیری‌ها در این دسته از جرایم، مناسب نیست و اشخاصی که در شورای حل اختلاف هستند نیز آشنایی به بایسته‌های حقوق محیط‌زیست ندارند. با این اوصاف، نظام حقوقی ما نسبت به برخی از نظام‌های حقوقی پسندیده و در خور توجه است، چرا که در نظام حقوقی انگلستان، رسیدگی به برخی از جرایم زیست محیطی در صلاحیت محاکم صلح هستند (باقری، ۱۳۹۶: ۱۱۳) و این خود ایراد جدی است، چرا که قضاتی که در این محکمه هستند با مسائل حقوقی آشنایی کاملی ندارند. به موجب رای وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴:

حمل چوب و هیزم و ذغال حاصل از درختان جنگلی به شرحی که در ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع آمده ممنوع است و با عنایت به این که قانون مجازات مرتکبان قاچاق که ماده مذکور مجازات مرتکبان نسخ شده است، بنابراین، با توجه به مقررات ماده ۱۸ آن قانون، عمل ارتكابی تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن طبق ماده ۴۴ قانون مذکور در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.

برخی از نویسندگان در خصوص رای وحدت رویه دیوان عالی کشور نظری مثبت داده‌اند و آن را هم‌سو با الهیات زیست‌محیطی و عدالت زیست‌محیطی تلقی نموده‌اند (محسنی، ۱۳۹۶: ۱۰۷)، در اینکه حفظ جنگل‌ها از طریق رسیدگی‌های عادلانه صورت می‌پذیرد شککی نیست، اما به نظر می‌رسد رای وحدت رویه از این جهت که دیوان عالی کشور حمل چوب و هیزم و ذغال حاصل از درختان جنگلی را تخلف محسوب کرده قابل نقد به نظر می‌رسد. امروزه یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط‌زیست این است که حمایتی همه جانبه از محیط‌زیست صورت گیرد، چرا که حقوق جزا به عنوان آخرین راه حل زمانی پا به عرصه می‌گذارد که بنیادی‌ترین ارزش‌ها و حقوق انسانی، زیر پا گذاشته شود. در این بحران هیزم، دیوان عالی کشور حمل چنین چیزی را تخلف می‌انگارد؟ سازمان تعزیرات حکومتی در حال حاضر که به عنوان یک سازمان غیرقضایی است، با این وصف گویی که یک محکمه است. مع الوصف، این رای وحدت رویه با قصد خیری که داشته (قضازدایی) تضمینی کافی در جهت حمایت از محیط‌زیست ارائه نداده است و من حیث المجموع قابل نقد است.

۳.۲ لزوم تشکیل دادگاه‌های تخصصی (استفاده از ظرفیت ماده ۵۶۶ قانون آ.د.ک)

یکی از ظرفیت‌های قانونی یا به عبارت دیگر یکی از الزامات قانونی موجود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در زمینه تشکیل دادگاه‌های تخصصی، ماده ۵۶۶ قانون موصوف است. ماده ۵۶۶ این قانون مقرر داشته: «تمام مراجع قضائی موضوع این قانون مکلفند با توجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضائی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند. علیرغم تصریح این ماده به لزوم تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع

قضائی برای رسیدگی تخصصی تاکنون هیچ‌گونه تلاشی در راستای این اقدامات حداقل در جرایم سبز مشاهده نمی‌شود.

لازم به ذکر است که در خصوص برخی از جرایم سبز، همچون جرایم سازمان یافته زیست‌محیطی، لازم است تا دادگاه‌ها سخت‌گیری‌هایی را در نظر داشته باشند. اما با توجه به مفهوم خاصی که در نظام حقوقی ایران از دادگاه تخصصی وجود دارد، بهتر است تا به دادگاه‌های حل مسئله محور توجه داشته باشیم. دادگاه‌های حل مسئله محور که در کشورهایمانند آمریکا، استرالیا و کانادا تشکیل شده است (عزیزی، ۱۳۹۷: ۷۷) (وایت، ۱۳۹۹: ۲۸)، سعی خود را بر این استوار نموده‌اند که علل زیربنایی جرم را از بین ببرند، از این رو این دادگاه‌ها، تخصصی نیز نامیده شده‌اند البته تخصصی بودن این دادگاه‌ها معادل دادگاه‌های تخصصی نظام حقوقی ایران نیست، چرا که دادرسی و دادگاه‌های تخصصی در نظام حقوقی ایران، به موازات دادرسی عمومی عمل می‌کنند. این در حالی است که در دادگاه‌های حل مسئله محور زیست‌محیطی، ضابطین و قضات متخصص هستند اما لزوماً به موازات دادرسی عمومی عمل نمی‌کنند بلکه بسته به مورد خاص خود (جرم مورد رسیدگی) محدودیت‌هایی را نیز در دادرسی در نظر می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران نیز تشکیل چنین دادگاه حل مسئله محور زیست‌محیطی لازم و ضروری است تا در قیدوبندهای راجع به تخصصی بودن دادگاه‌های تخصصی فعلی نمایم.

۳. روش دوم: استفاده از کنشگران متخصص

اجرا و رعایت قوانین زیست‌محیطی مستلزم مجموعه‌ای از کنش‌گران و قوانین همراه و هم‌گام است. کنشگران در هر حوزه نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای رویه‌ها و به‌طور ویژه در دستیابی به اهداف موردنظر دستگاه قضایی و نظام دادرسی ایفا می‌کنند. مطالب این مبحث نیز در دو گفتار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار نخست، کنشگران قضایی و در گفتار دوم، کنشگران پیراقضایی مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

۱.۳ کنشگران قضایی متخصص

کنشگران تخصصی باعث پیشرفت در حوزه رسیدگی‌های تخصصی و افتراقی به جرم‌های تخصصی همچون جرم‌های سبز می‌شوند. در این گفتار به بررسی کنشگران قضایی موجود

پرداخته می‌شود. منظور از کنش گران قضایی، کارگزارانی است که در فرآیند قضایی عدالت کیفری سبز، فعالیت دارند که در این قسمت، صحبت از قاضی متخصص می‌شود که در ذیل به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۱.۱.۳ قضات رسیدگی‌کننده صاحب تخصص

اگر قوانین مربوط به محیط‌زیست با دقت و با توجه به اصول و اهداف نظام حقوق کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف قوانین مربوط، اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و عملاً در این حوزه توفیقی به دست نمی‌آید (کوشکی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۱). امروزه با توجه به فنی و تخصصی بودن جرایم سبز قضات رسیدگی‌کننده باید با بایسته‌های حقوق محیط‌زیست آشنایی لازم را داشته باشند. اما متأسفانه، در حال حاضر، در نظام حقوقی ما کنشگران مرحله پیش‌دادرسی و دادرسی آموزش‌هایی را در این زمینه نمی‌بینند و می‌توان به طور قاطع گفت که اگر هم دادرسی تخصصی وجود دارد، فقط عنوانش تخصصی است. گاهی دیده می‌شود قضات محترم، خود به دفاع از قوه مجریه برخاسته است و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط‌زیست یا تغییر محل کارگاه به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه که باعث بیکاری کارگران می‌شود برای مشتکی عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به نظر بازپرس دادرسی میاندوآب در صدور قرار منع تعقیب در رسیدگی به شکایات مورخ ۱۳۶۳/۸/۸ اداره حفاظت از محیط زیست میاندوآب از مدیر عامل کارخانه قند میاندوآب اشاره نمود که مورد تایید داستان نیز قرار گرفته بود. مشارالیه در جلسه رسیدگی به شکایت مزبور در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ چنین استدلال می‌کند که «... جهت جلوگیری از آلودگی آب رودخانه زرینه رود به فرض صحت کامل ادعای اداره شاکی، مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت جهت تعبیه و نصب دستگاه‌های عظیم تصفیه آب و... جهت جلوگیری از ریزش فاضلاب هرگونه تاسیسات از جمله فاضلاب بیمارستان عباسی و خانه‌های مسکونی واقع در اکناف رودخانه مذکور می‌باشد... که نه تنها از عهده کارخانه قند میاندوآب بلکه احتمالاً از عهده دولت نیز خارج است. (قوام، ۱۳۷۵: ۱۴۷)

به نظر می‌رسد در رسیدگی به جرم‌های سبز باید سیستم تعدد قاضی حاکم باشد و قضات آن از میان کسانی انتخاب شوند که فارغ‌التحصیل حقوق محیط‌زیست یا حقوق کیفری (آشنا با مسائل زیست‌محیطی) باشند. البته آموزش‌های مداوم این دسته از قضات جهت رویارویی با جرایم فنی علیه محیط‌زیست، امری لازم و ضروری است. آشنایی این دسته از قضات با تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی حیاتی است. متأسفانه امروزه علیرغم تصریح ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران به آن پیوسته و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در حکم قانون بوده و برای دادگاه‌های کشور لازم‌الاتباع است.» قضات آشنایی با این دسته از تعهدات بین‌المللی ندارند یا اینکه اعتقاد و میلی به تعهدات بین‌المللی ندارند، در حالی که آشنایی کامل و باور به اینکه عمل به تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی موجب شکوفاتر شدن محیط‌زیست و حفظ آن در مقابل تخریب و آلودگی می‌شود، یکی از مهم‌ترین بایسته‌های افتراقی نمودن و تخصصی کردن رسیدگی به جرایم سبز است.

۲.۱.۳ ضابطان متخصص

در این قسمت از بحث، ما ضابطان خاص را به اعتبار وضعیت ضابط بودن آنان در جرایم سبز در دو قسم ضابطان سبز و ضابطان پیرا سبز مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۲.۱.۳ ضابطان اولیه

منظور از ضابطان سبز، ضابطانی هستند که صراحتاً به موجب قوانین خاص، ضابط محسوب می‌شوند که در این بخش به بررسی این موارد می‌پردازیم.

الف) مامورین جنگلبانی، مطابق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶

ب) مامورین شکاربانی: مطابق ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب سال ۱۳۴۶ و ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳

ج) ماموران سازمان بنادر و دریانوردی، محیط‌زیست و شیلات: به موجب ماده ۱۲ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب

د) ناظران شرعی بر ذبح دام، پرندگان و صید آبیان به موجب ماده ۸ قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید مصوب ۱۳۸۷

ه) ضابطین قانون هوای پاک به موجب ماده ۳۱ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶
و) ضابطان پسماندها به موجب ماده ۳۶ آیین نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۴/۵/۱۰

۲.۲.۱.۳ ضابطان پیراسبز (تخصص محور)

ضابطان پیراسبز خود به دو دسته تقسیم می‌شود که در دو قسمت آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱- مامورانی که در قانون به ضابط بودن آنان تصریح نشده اما گزارش آنان در حکم گزارش ضابطان است:

۱- مامورین شهرداری

مطابق ماده ۷ لایحه قانونی حفظ گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹

۲- مامورین وزارت جهاد کشاورزی

مطابق ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت مصوب سال ۱۳۵۲ و ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب

۳- مامورین وزارت نیرو

مطابق ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱۰ قانون سازمان برق ایران مصوب سال ۱۳۴۶

۱- مامورانی که در قانون به صراحت به ضابط بودن آنان تصریح نشده بلکه تکالیف ضابطان به آنان واگذار شده است:

۱- مامورین وزارت جهاد کشاورزی

مامورین وزارت جهاد کشاورزی مطابق تبصره ۲ ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب سال ۱۳۷۴ با اصلاحات بعدی، تکالیف ضابطان را دارند، اما به صراحت سخنی در خصوص ضابط بودن آنها به میان نیامده است.

دسته اول این ضابطان به صراحت در قانون، ضابط دادگستری محسوب شده‌اند و در صورت گذراندن دوره‌های آموزشی مورد نیاز و اخذ کارت مربوط در حدود وظایف

محوه، ضابط دادگستری می‌باشند و از تمام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری برخوردارند و مسئولیت‌های ضابطان را نیز برعهده دارند. اما دسته دوم و سوم ضابط محسوب نمی‌شوند اگرچه برخی از وظایف ضابطان را انجام می‌دهند. در ماده ۳ آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۷/۱ رئیس قوه قضائیه، مقرر شده است که: «مامورانی که گزارش آن‌ها به موجب قانون به منزله گزارش ضابطان دادگستری است، همچنین مامورانی که در قانون صراحتاً به ضابط بودن آنها اشاره نشده اما قانوناً تکالیفی مشابه ضابطان دادگستری به آنها محول شده است، مشمول این آیین نامه نمی‌شوند.» از این رو شرط انجام وظیفه ماموران دسته‌های دوم و سوم، گذراندن دوره‌های آموزشی خاص و اخذ کارت نیست.

ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دادرها و دادگاه‌ها در انجام وظایف‌شان هستند. به دلیل ماهیت خاص جرم‌های سبز، قانون‌گذار اغلب کشورها و از جمله ایران برای تعقیب این جرایم، ضابطان خاصی را پیش‌بینی نموده است.

خصیصه‌های جرم‌شناختی بزه‌کاران و خود جرایم سبز و بزه‌دیدگی جمعی در این دسته از جرایم اقتضا می‌کند که در کنار دادرهای تخصصی جرایم سبز وظایف مربوط به ضابطان در مورد جرایم سبز و تحقیق و بازجویی از مرتکبان توسط ضابطان آموزش دیده صورت گیرد. از این رو مساله تشکیل ضابطان یا پلیس تخصصی باید مورد توجه قانون‌گذار قرار بگیرد. ضابطین تخصصی و آموزش دیده و پلیس ویژه برای جرایم سبز برای ارتقای عملکرد نظام حقوقی لازم و ضروری است. در فلوریدا، ضابطان قضایی حیات وحش علاوه بر آنکه به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کنند، مسئول برخورد با دیگر جرایم نیز هستند، این امر بدان دلیل است که آن‌ها زیر مجموعه قانون عام ضابطان قضایی هستند. اما در نقطه مقابل، در هلند نیروهای پلیس، تخصص محور هستند و تنها در حوزه مربوط به خود فعالیت می‌کنند. از این رو، پلیس حمایت از محیط‌زیست تنها به جرایم این حوزه رسیدگی می‌کند. در انگلستان، افسران حیات وحش وجود دارند که به مسائل این حوزه می‌پردازند. در کشور اسکاتلند نیز پلیس سبز تشکیل شده است. (White, 2017: 56) شاید دلیل تشکیل پلیس تخصصی، ماهیت خاص جرایم سبز است به طوری که هر جرم مستلزم پاسخ ویژه‌ای است. در حال حاضر ضابطان خاصی که در جرایم زیست‌محیطی وجود دارند، آموزش‌های عمومی را می‌گذرانند نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرایم سبز. از این منظر

نظام حقوقی ما با ضعف جدی مواجه است و همین امر توجیه‌گر تشکیل پلیس تخصصی و اهمیت آموزش فنی و تخصصی به ضابطان جرایم سبز است.

۲.۳ کنشگر سبز پیراقضایی

در دادرسی افتراقی سبز، صرف فعالیت قضات متخصص کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه وجود کنشگرانی پیراقضایی نیز نه تنها مفید بلکه ضروری است. کنشگران پیراقضایی، کنشگرانی هستند که خارج از دست اندرکاران قضایی است و با توجه به تخصصی که دارند، تاثیر آن‌ها در تحقق عدالت زیست‌محیطی مهم ارزیابی می‌شود.

۱.۲.۳ سازمان‌های مردم‌نهاد

نهادهای غیردولتی یا دادستان‌های خصوصی می‌توانند از انحصارگرایی دولتی پیشگیری کنند و می‌توانند در منطقی نمودن سیاست‌ها نقش ایفا کنند. فلسفه نقش‌آفرینی این نهادها، حمایت از ارزش‌های اجتماعی و منافع عمومی و بزه‌دیدگان است. هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در حفظ محیط‌زیست به ایفای نقش پردازند اما تاثیر هر یک از آنها یکسان نیست، برخی به تناسب موقعیت رسمی به ایفای نقش می‌پردازند و برخی نیز به لحاظ فعالیت‌های غیررسمی تعیین کننده خود. دسته دوم همان سازمان‌های غیردولتی هستند که متأسفانه در کشور ما نقش ناچیزی در ایفای نقش در دادرسی زیست‌محیطی دارند. دادخواهی زیست‌محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط‌زیست سالم است. حقی که به همه افراد و همه شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط‌زیست علاوه بر اینکه موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم نموده باشند، به جهت نفع عمومی اقامه دعوی نمایند. از این رو افراد و سازمان‌های غیردولتی باید بتوانند از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به ویژه قضایی شکایت نمایند که تحقق این امر، باعث پیشگیری مشارکتی از جرایم زیست‌محیطی می‌گردد. (میرکمالی و حاجی‌وند، ۱۳۹۶: ۶۸)

در راستای حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن نهادهای مدنی در فرآیند کیفری، مقنن برای اعلام جرم، توجه خاصی به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است. این سازمان‌ها یعنی موسسات غیردولتی غیرانتفاعی، وقتی که خود بزه‌دیده واقع می‌شوند می‌توانند اقدام به

شکایت کیفری نمایند. در غیر این صورت اعلام‌کننده جرم هستند اما جایگاه آنان را ق.ا.د.ک از یک اعلام‌کننده صرف به یک دنبال‌کننده فعال افزایش داده است. بدین ترتیب، سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعلام جرم (نه شکایت) حق معرفی نماینده جهت حضور در داسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه و نیز حق ارائه دلیل را دارند. البته دو محدودیت برای دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد. اولاً، حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ حضری بوده و شامل سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از حیوانات) نمی‌شود. در این راستا، مقنن حق تشخیص سازمانهای فعال در حوزه‌های مذکور را هم از مقامات قضایی سلب کرده بود و اسامی آنها را محدود به فهرستی نموده بود که توسط قوای مجریه و قضائیه تهیه می‌شد. تبصره ۳ ماده ۶۶ مقرر می‌داشت: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» اما خوشبختانه بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ جایگزین تبصره ۳ ماده ۶۶ شده است. این بند مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه‌بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یکسال از استفاده از حق مذکور در ماده (۶۶) قانون ذکرشده، محروم می‌شوند. این بند جایگزین تبصره (۳) ماده (۶۶) قانون اخیرالذکر می‌شود.» ثانیاً، دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم دارای بزه دیده خاص منوط به موافقت او یا ولی یا قیم یا سرپرست قانونی اوست. تبصره ۱ ماده ۶۶:

در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

درست است که شرکت سمن‌ها در دادرسی، حضوری تشریفاتی نیست و باید بتوانند ادله خود را ارائه دهند. (رمضانی، ۱۳۹۶: ۱۵۷) اما با حذف اقامه دلیل و اعتراض، صراحتاً این

حق را ندارند و این ضعفی جدی است. از الفاظ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اینگونه برمی‌آید که هدف از اصلاحات محدود نمودن سمن‌ها بوده است و جایگاه اعلام جرم بخشیدن و شرکت در تمام مراحل دادرسی به آنها. رویه قضایی می‌تواند جهت به رسمیت شناختن هرچه بیشتر سمن‌ها، شرکت در تمام مراحل دادرسی را شامل مرحله پیش‌دادرسی نیز بداند، چرا که ماده اطلاق دارد و شامل مرحله پیش‌دادرسی نیز می‌شود. در این صورت می‌توان اقامه دلیل را برای آنها پذیرفت، چرا که ارائه دلیل در مرحله دادرسی است که مناسب است و در این صورت می‌توان هدف مقنن را علنی بودن دادرسی ندانست، چرا که علنی بودن دادرسی شامل محاکمات و ناظر به مرحله دادرسی است. از این رو، اگر اقامه دلیل را با این تفسیر بپذیریم، اعتراض به آراء نیز پذیرفتنی است. تبصره ۲ ماده ۶۶ مقرر داشته: «ضابطان دادگستری و مقامات قضائی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.» اما ضمان اجرایی برای عدم اطلاع رسانی در این خصوص طرح نشده است و ماده ۶۳ نیز که در مقام بیان ضمانت‌اجرای تخلف ضابطان بوده اسمی از ماده ۶۶ نبرده است.

به هر صورت، ماده ۶۶ باز هم دچار اصلاحاتی خواهد شد و امید است که این اصلاحات با توجه به افزایش مشارکت این دسته از شهروندان باشد. سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران و کنشگران غیردولتی، می‌توانند تاثیر مهم و بسزایی در دادخواهی‌های زیست‌محیطی داشته باشند.

۴. نتیجه‌گیری

امروزه افتراقی شدن در حوزه دادرسی کیفری نه تنها امری مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از حوزه‌هایی که لزوم افتراقی شدن به رسیدگی‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود، جرایم سبز است. جرایم زیست‌محیطی که به دنبال صنعتی شدن جوامع، شکلی مدرن به خود گرفتند، امکان تحقق آن‌ها در قلب یک جرم تروریستی نیز تحقق پیدا کرد، از این رو برخی از کشورها همچون فرانسه در نظام تقنینی خود جرمی به نام تروریسم زیست‌محیطی را پیش‌بینی نمود و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز به مناسبت افتراقی سازی در حوزه رسیدگی به این دسته از جرایم ذیل جرایم تروریستی، تحقق پیدا کرد و به این طریق آیین دادرسی آن از آیین دادرسی جرم زیست‌محیطی متفاوت شد، چرا که آیین

دادرسی کیفری حاکم بر جرایم زیست‌محیطی تخصصی است و به موازات دادرسی عمومی، به مناسبت قاضی، ضابطین، دادرها و دادگاه‌های تخصصی شکل می‌گیرند اما در تروریسم زیست‌محیطی، آیین دادرسی کیفری اختصاصی حاکم است و در این دسته اخیر، شاهد سخت‌گیری‌ها در رسیدگی هستیم.

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاهد گسترش دادرهای تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادرهای تخصصی نماید که در واقع، پیام‌آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش دادرسی علی‌الخصوص در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالاتری برخوردارند.

در حال حاضر، رسیدگی به جرایم سبز در مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی انجام می‌شود. کنشگران دادرسی سبز نیز با چالش‌های جدی مواجه هستند که باید مرتفع گردد. به نظر می‌رسد توجه به پیشنهادات زیر می‌تواند در زمینه سیاست کیفری افتراقی رسیدگی به جرایم سبز موثر واقع شود:

- لزوم گسترش تشکیل دادرهای تخصصی سبز
- لزوم تشکیل دادگاه‌های تخصصی و حذف دادگاه‌های اختصاصی در رسیدگی به جرایم سبز
- لزوم استفاده از قضات و ضابطان متخصص (پلیس ویژه سبز) و آموزش مستمر به آن‌ها
- لزوم شناسایی حق اقامه دلیل و اعتراض به آراء برای سمن‌های سبز

کتاب‌نامه

- آنسل، مارک، (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر گنج دانش، چاپ چهارم.
- باقری زرین قبایی حسین (۱۳۹۶)، ضمانت‌های کیفری زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، تهران، انتشارات خرسندی.

- جوان جعفری، عبدالرضا و حاجی وند، امین (۱۴۰۰)، تحلیل نقش رسانه بر ترویج رفتارهای ناپسند حق بر محیط‌زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی)، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر،
- حاجی وند، امین و همکاران، (۱۳۹۶) «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران، ضرورت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی
- خالقی، علی، (۱۳۹۶) «بین‌دادرسی کیفری»، جلد اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سی و پنجم.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۰) «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌ها غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۱، شماره ۹۹.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حاجی ملا، هیوا، (۱۳۹۶) «مداخله سازمان‌های غیردولتی به منزله دوست دادگاه در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۴.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، «اصول آیین دادرسی کیفری ایران»، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم.
- عزیزی، علی، (۱۳۹۷) اعمال برنامه‌های ترمیمی در دادگاه‌های حل مسئله: چالش‌ها و راه‌کارها در مجموعه چکیده مقالات دومین همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی دانشگاه تربیت مدرس، زیر نظر: محمد فرجیها، تهران، انتشارات میزان.
- غلامی، نبی‌اله و موذن زادگان، حسنعلی، (۱۳۹۶)، «جایگاه الزامات اخلاقی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله اخلاق زیستی، دوره هفتم، شماره بیست و پنجم.
- قوام، میرعظیم، (۱۳۷۵) «حمایت کیفری از محیط زیست»، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- کوشکی، غلامحسین، (۱۳۸۸) «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸.
- گلدوست جویباری، رجب و اشرفی، محمد و ناظریان، حسین (۱۳۹۱)، «صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۸.
- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۹۴) «بین‌دادرسی کیفری»، تهران، انتشارات جنگل، چاپ هفتم.

نقدی بر روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) ... (امیر فلک‌الدین و دیگران) ۴۳۷

محسنی، حسن، (۱۳۹۶) «عدالت زیست‌محیطی و قاچاق چوب، هیزم و زغال جنگلی (نقد و بررسی مبانی رای وحدت رویه شماره ۷۴۹)»، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، دوره ۴، شماره ۱.

میرکمالی، سیدعلیرضا و حاجی‌وند، امین (۱۳۹۶)، «تحلیل پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در پرتو دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد و اصل اخلاقی پیشگیری از ضرر زیستی»، *مجله اخلاق زیستی*، دوره هفتم، شماره بیست و ششم.

نباتی، علی و حاجی‌وند، امین (۱۳۹۸) *درآمدی بر جرم‌انگاری و کیفرگذاری افتراقی زیست‌محیطی*، *مجله کانون وکلای دادگستری اردبیل*

نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۸) «رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی»، *مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی*، تهران، نشر گرایش.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۰) *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، درآمد ویراست دوم* دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوم.

نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۶) *درس گفتار آیین دادرسی کیفری*، کتاب دوم، دعاوی ناشی از جرم، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

وایت، راب (۱۳۹۵) *جرایم زیست‌محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم*، ترجمه حمیدرضا دانش ناری، تهران، نشر میزان.

Catherine, R,(2006) *L'essentiel du Droit de l'environnement*. Gualino editeur.

Gerard lopez,(2004)Stamatios Tzitzis,*Dictionnaire de sciences criminelles*,Dalloz.

Huten, N, *Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement, Les apports de la Charte de l'environnement a l'ordre juridique interne*, Thèse en Droit de l'environnement, Université de Paris 1 Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas, 2002-2003.

Mayaud ,Yves.(1997) *Le Terrorism*, paris. Dalloz.

Prieur, M. (2003) *La mise en oeuvre nationale du droit international de l'environnement dans les pays francophones*, Presses Universitaires de Limoge.

White, R. (2013) *Environmental crime and problem-solving Courts* , Article in crime law and social change, Vol59, issue3.

White, Rob (2018). *Ecocide and the Carbon Crimes of the Powerful*, The University of Tasmania Law Review Vol 37 No 2

white,Rob,(2013)*Environmental crime and problem-solving Courts*,Article in crime law and social change,Vol59,issue3.